

تحلیل گفتمان عدالت اجتماعی از دیدگاه امام خمینی (س) بر اساس رویکرد جامعه شناختی - معنایی ون لیوون

علی کریمی فیروزجایی^۱
فرحناز نعیمی^۲

چکیده: عدالت اجتماعی فلسفه اصلی بعثت پیامبران الهی و هدف اساسی حکومت دینی است. یکی از اصول مکتب سیاسی امام خمینی، نیز موضوع عدالت اجتماعی است. از نظر امام در همه برنامه‌های حکومت (قانونگذاری، اجرا و قضا) باید عدالت اجتماعی و حذف شکاف‌های طبقاتی و حمایت از قشرهای مستضعف و محروم جامعه مورد توجه باشد به طوری که با رعایت اصل عدالت اجتماعی و نفی هرگونه تبعیض و بی‌عدالتی دیدگاه متوازنی را در باب عدالت توزیعی در حوزه اقتصاد مطرح ساخت.

این تحقیق با روش تحلیل زبان شناختی گفتمان به بررسی عدالت اجتماعی در بیانات امام از صحیفه امام می‌پردازد. پرسش‌های اساسی این پژوهش عبارت است از اینکه در کلام امام برای تقویت گفتمان عدالت محور از چه راهکارهای زبان شناختی استفاده شده است؟ برای پاسخ به این سؤال از روش تحلیل گفتمان و بر پایه چهارچوب نظری ون لیوون استفاده شده و مؤلفه‌های جامعه شناختی معنایی همانند طرد و جذب که شامل تعیین نقش، تعیین نوع اشاره و تعیین ماهیت است به کار گرفته شده است. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که در کلام امام، عناصر زبان شناختی تعیین نوع اشاره و تعیین نوع ماهیت بالاترین فراوانی را دارد و از مؤلفه‌های حذف و جذب بیشترین فراوانی را مؤلفه جذب دارد و شاخص‌ترین مؤلفه مشخص سازی در انسان‌نمایی عنصر پیوند دهی است.

E-mail: alikarimif@yahoo.com

۱. استادیار گروه زبان‌شناسی دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

۲. دانشجوی دکتری زبان‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران الکترونیکی، تهران، ایران

E-mail: naimi1383@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۲/۱۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۱/۱۷

پژوهشنامه متین/سال نوزدهم/شماره هفتاد و چهار/بهار ۱۳۹۶/صص ۱۵۰-۱۲۹

کلیدواژه‌ها: گفتمان، تحلیل گفتمان، عدالت اجتماعی، الگوی ون لیوون، امام خمینی.

مقدمه

این پژوهش با رویکردی زبان‌شناسانه به تحلیل گفتمان امام خمینی در باب عدالت اجتماعی می‌پردازد. هدف از رویکرد زبان‌شناسی به مقوله عدالت اجتماعی، درک بهتر مفاهیم و لایه‌های زیرین زبان و عینیت بخشیدن به مفاهیم مطرح شده در گفتمان عدالت اجتماعی با استفاده از ساختارها و راهکارهای زبان‌شناختی در کلام امام است. اصولاً هر متن متشکل از دو لایه است: لایه زیرین و لایه زبرین که وظیفه زبان‌شناس کشف، تبیین و توجیه لایه زیرین متن است. که در این پژوهش سعی شده تا با استفاده از روش‌شناسی ون لیوون به ارزیابی لایه زیرین سخنان امام پرداخته شود.

در این مقاله با بررسی داده‌های گردآوری شده از سخنرانی‌های امام در *صحیفه امام* سعی شده تا پاسخی برای پرسش‌های زیر آورده شود:

۱. در سخنان امام برای تقویت گفتمان عدالت محور از چه راهکارهای زبان‌شناختی استفاده شده است؟

۲. مؤلفه‌های جامعه‌شناختی معنایی به چه میزان در تحلیل گفتمان متن‌های این تحقیق مشاهده شده است؟

۳. کدام ویژگی‌های زبان‌شناختی کلام امام، موجب فهم آن به وسیله همه مخاطبان شده است؟

۴. واژه عدالت اجتماعی با چه واژه‌هایی با هم آبی دارد؟

روش پژوهش تحلیل گفتمان و بر پایه چهارچوب نظری ون لیوون (۲۰۰۸) است و جامعه آماری این تحقیق شامل سخنان امام خمینی درباره عدالت اجتماعی در *صحیفه امام* است.

الف) پیشینه تحقیق

در مورد بحث عدالت در اندیشه امام خمینی منابع متعددی وجود دارد که آنها را می‌توان در چند دسته طبقه‌بندی کرد. بخشی از آنها به شکل توصیفی-تحلیلی یا به صورت مقایسه‌ای و غیرگفتمانی به این بحث پرداخته‌اند که این مقاله با توجه به اینکه با رویکرد گفتمانی به این بحث پرداخته است با آن پژوهش‌ها متفاوت است. در این باره می‌توان به این منابع اشاره کرد:

جمشیدی، محمدحسین. (۱۳۸۰) *نظریه عدالت از دیدگاه فارابی-امام خمینی - شهید صدر*، تهران: انتشارات پژوهشکده امام خمینی (س) و انقلاب اسلامی.

آزینی، محسن. (۱۳۷۴) *اندیشه‌های اقتصادی امام خمینی*، تهران: سازمان مدارک فرهنگی و انقلاب اسلامی.

جزائری، سید نورالدین. (۱۳۷۸) «جایگاه عدالت در فقه سیاسی شیعه»، *مجموعه مقالات کنگره امام خمینی و اندیشه حکومت اسلامی*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.

اخوان کاظمی، بهرام. (۱۳۸۱) *عدالت در نظام سیاسی اسلام*، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلام.

دسته دوم پژوهش‌هایی است که با رویکرد گفتمانی به بحث عدالت اجتماعی از دیدگاه امام پرداخته‌اند اما نظریه تحلیل گفتمانی آنها نظریه ون لیون نیست، لذا با این پژوهش تفاوت دارند.

- ضیایی، محمد صادق، عباس نرگسیان و منیژه کیانفر، «بررسی رابطه بین زبان اقتدار با مشروعیت دولت‌ها: تحلیل گفتمان انتقادی سخنان امام خمینی».

- شهبازی راد، محمد صادق. (۱۳۹۲) «تحلیل گفتمان رهبری انقلاب اسلامی»، *پایان نامه ارشد*، تهران: پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی.

درباره تحلیل اندیشه عدالت اجتماعی بر اساس نظریه ون لیون کار خاصی انجام نشده است و لذا این پژوهش جدید و دارای نوآوری است.

ب) چهارچوب مفهومی پژوهش

مفاهیم مهم مورد استفاده در این پژوهش عبارتند از:

۱. مفهوم شناسی عدالت اجتماعی

امام خمینی هدف اساسی نظام اسلامی را برقراری عدالت اسلامی می‌داند به گونه‌ای که در آن جامعه هیچ ظلمی نباشد و شخص اول با فرد آخر در مقابل قانون یکسان باشند و معتقد است که با عدل اسلامی، همگان در آزادی، استقلال و رفاه خواهند بود. گفتمان عدالت اجتماعی در سخنان امام خمینی از نقش و جایگاه والایی در پیروزی انقلاب اسلامی ایران برخوردار است. در طول

پیروزی انقلاب اسلامی گفتمان‌های فکری متفاوتی شکل گرفتند که هر کدام ادعای پیروزی و رهبری فکری انقلاب را داشتند، ولی تنها مردم به اندیشه‌ها و باورهای امام اعتماد کردند. از دیدگاه امام خمینی والاترین وظیفه پیامبران تحقق عدالت و یکی از مهم‌ترین اهداف بعثت رسولان و شاید تنها هدف رسولان برپایی عدالت (لیقوم الناس بالقسط) است. امام خمینی علاوه بر تکیه به توزیع عادلانه ثروت‌ها و امکانات جامعه، به توزیع صحیح و عادلانه مناصب، برابری آدمیان در برابر قانون، رفتار عادلانه حکومت با مردم و مسائلی از این قبیل بسیار اهمیت می‌داد. است. از منظر ایشان اجرای عدالت است که جامعه را تبدیل به صورت ظاهر قرآن می‌کند.

قرآن... برای رفع ظلم از بین بشر آمده است، یعنی یک بعدش این است که ظلم را از بین بشر بردارد و عدالت اجتماعی را در بشر ایجاد کند، ما اگر کوشش کنیم و آنهایی که تابع قرآن خودشان را می‌دانند، مسلمین جهان اگر کوشش کنند... آن وقت یک دنیایی می‌شود که صورت ظاهر قرآن می‌شود (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۱۷: ۴۳۴).

یا در بیانی دیگر اسلام مورد نظر خود را این گونه معرفی می‌نماید: «یک همچو اسلامی که عدالت در آن باشد. اسلامی که در آن ظلم هیچ نباشد، اسلامی که آن شخص اولش با آن فرد آخر همه در سواء در مقابل قانون باشند» (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۹: ۴۲۵).

در آثار و بیانات امام خمینی نگرش و توجهی که به مسأله قسط و عدالت در جامعه و نهادهای سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و قضایی آن داشته بیان‌کننده این امر است که عدالت را نه صرفاً ملکه یا فضیلتی فردی بلکه خصلت و حالتی اجتماعی می‌داند. در این نگرش، عدالت خصلت و ویژگی قوانین سیاسی و اجتماعی و نیز ویژگی گروه‌ها و نهادهای اجتماعی، سیاسی و مهم‌تر از آن خصلت و ویژگی جامعه انسانی است. بررسی دقیق اندیشه‌های امام خمینی در قالب سخنرانی‌ها، پیام‌ها و مکتوبات ایشان نشان می‌دهد که مسئله عدالت از دیدگاه وی در حوزه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی و اقتصادی دارای شاخص‌های معینی است. «برابری در مقابل قانون» و نیز «برابری فرصت‌های اجتماعی و سیاسی» را می‌توان مهم‌ترین شاخص‌های عدالت مورد نظر امام در حوزه سیاسی و اجتماعی دانست؛ آنگونه که ایشان به دفعات بر لزوم برابری همه در مقابل قانون، لزوم قضاوت عادلانه، وضع قوانین عادلانه، تأمین حقوق قشرهای مختلف از جمله زنان و کارگران، تأمین زمینه مشارکت سیاسی طبقات گوناگون، حفظ حقوق اقلیت‌های مذهبی و جز

اینها تأکید دارد. همچنین می‌توان مهم‌ترین شاخص عدالت در حوزه اقتصادی را «رفع نیازهای اساسی همه قشرهای جامعه» بویژه طبقات محروم برشمرد؛ به گونه‌ای که در این حوزه معمولاً عدالت اجتماعی با مفاهیمی همچون محرومیت، فقر و طبقات مستضعف همراه است. در واقع عدالت در حوزه اقتصادی با رفع محرومیت‌ها به طور مستقیم یا غیرمستقیم ارتباط نزدیکی دارد. شاخص‌های فرعی که امام خمینی به عنوان «رفع نیازهای اساسی» مطرح نموده، بدین قرار است: تأمین مایحتاج و ارزاق عمومی برای همه قشرها، خدمات عمومی همچون آب، برق و جاده مناسب در روستاها، تأمین مسکن برای همه افراد جامعه، بهره‌مندی از امکانات تحصیل و آموزش عمومی برای همه مردم، برخورداری همگان از امکانات بهداشت عمومی (پزشک، دارو، حمام، آب بهداشتی و...) بویژه روستاها و مناطق محروم و دسترسی به شغل مناسب و رفع بیکاری (فوزی ۱۳۸۸: ۱۸۵-۱۸۴). این نوع نگاه به عدالت اجتماعی نگاهی اندیشه‌ای است و در رویکرد زبان‌شناسانه به عدالت اجتماعی تلاش می‌شود تا مفاهیم و لایه‌های زیرین این مباحث در زبان امام خمینی به شکل مطالعات نظام‌مند مطرح شود و مورد تحلیل قرار گیرد.

۲. گفتمان و تحلیل گفتمان

گفتمان و تحلیل گفتمان اصطلاحاتی هستند که اگرچه حوزه‌های بسیار وسیعی را در برمی‌گیرند؛ هنوز تعریف دقیقی از آنها ارائه نشده است (Stubbs 1983; Tanen 1989; Schiffrin 1994) یکی از دلایل این امر آن است که فهم ما از گفتمان، مبتنی بر تحقیقات مجموعه‌ای از رشته‌های علمی است که در واقع بسیار از هم متفاوتند (VanDijk 1985: 8). عضدانلو گفتمان را یکی از ابزارهای مؤثری می‌داند که برای به اسارت در آوردن زبان، پی بردن به ویژگی‌های مختلف ارتباط میان افراد و همچنین طبقه‌بندی کردن موضوعات آنها در اختیار داریم. وی گفتمان را نمایانگر تبیین زبان در ورای مقیاس‌هایی بزرگ‌تر از جمله تلقی می‌کند (عضدانلو ۱۳۸۰: ۱۷).

از نگاه شعیری، گفتمان یک حضور ذهنی است که به عنوان یک معنای کلان، به صورت تدریجی و پویا در قالب یک کلان‌نشانه (متن گفتاری یا نوشتاری) حضور، بروز و بازنمود می‌یابد. وی گفتمان را گونه مدلولی «فرآیند گفته‌پردازی» پویایی به حساب می‌آورد که در آن، موضع‌گیری تعاملی عوامل گفتمانی (گفته‌پرداز و گفته)، ضمن هویداسازی جنبه‌های پنهان زبان، منجر به تولید متنی بهره‌مند از معنایی منسجم می‌شود (شعیری ۱۳۸۵: ۵-۱).

روی هم رفته و در ورای همه رویکردها به گفتمان باید پذیرفت که گفتمان «قطعه‌ای زبانی و با معناست که اجزای آن به شکلی به هم مربوطند و هدف خاصی را دنبال می‌کنند» (بارمحمدی ۱۳۸۵: ۱).

تحلیل گفتمان، که در زبان فارسی به «سخن‌کاوی»، «تحلیل کلام» و «تحلیل گفتار» نیز ترجمه شده است، یک گرایش مطالعاتی بین‌رشته‌ای است که از اواسط دهه ۱۹۶۰ تا اواسط دهه ۱۹۷۰ در پی تغییرات گسترده علمی^۵ معرفتی در رشته‌هایی چون انسان‌شناسی، قوم‌نگاری، جامعه‌شناسی خرد، روان‌شناسی ادراکی و اجتماعی، شعر، معانی و بیان، زبان‌شناسی، نشانه‌شناسی و سایر رشته‌های علوم اجتماعی و انسانی علاقه‌مند به مطالعات نظام‌مند ساختار و کارکرد و فرآیند تولید گفتار و نوشتار ظهور کرده است. این گرایش، به دلیل بین‌رشته‌ای بودن، خیلی زود، به عنوان یکی از روش‌های کیفی در حوزه‌های مختلف علوم سیاسی، علوم اجتماعی، ارتباطات و زبان‌شناسی انتقادی مورد استقبال واقع شد. اصطلاح تحلیل گفتمان نخستین بار در سال ۱۹۵۲ در مقاله‌ای از زبان‌شناس معروف انگلیسی زلیک هریس به کار رفته است. زلیک هریس در این مقاله دیدی صورت‌گرایانه به دست داد و تحلیل گفتمان را صرفاً نگاهی صورت‌گرایانه (و ساختارگرایانه) به جمله و متن برشمرد. بعد از هریس، بسیاری از زبان‌شناسان، تحلیل گفتمان را نقطه مقابل تحلیل متن دانسته‌اند. به اعتقاد این عده تحلیل گفتمان شامل تحلیل ساختار زبان گفتاری، مانند گفتگوها، مصاحبه‌ها و سخنرانی‌ها و تحلیل متن شامل تحلیل ساختار زبان نوشتاری، مانند مقاله‌ها، داستان‌ها، گزارش‌ها و غیره است (یحیایی ایل‌ای ۱۳۹۰: ۵۹).

تحلیل گفتمان روشی است برای تحلیل گفتار یا نوشتار و پیوسته این به معنای بسط زبان‌شناسی توصیفی است، به ورای محدوده جمله در یک زمان و در جهت ایجاد ارتباط بین فرهنگ و زبان تحلیل گفتمان، تحلیل چنین واحد زبانی بالاتر از جمله است. تحلیل گفتمان و متن، به شاخه‌ای از زبان‌شناسی جدید اطلاق می‌شود که هدف آن توصیف کلام پیوسته معنی‌دار بالاتر از جمله است (آقاگل‌زاده ۱۳۸۵: ۴۶، ۵۷).

۳. تحلیل گفتمان انتقادی

گفتمان‌شناسی انتقادی حاصل برخورد با گفتمان به مثابه کنش اجتماعی زبان است. «این نوع نگرش از بطن جامعه‌شناسی جوانه زده و گرایشی در مطالعات کلامی/گفتمانی به وجود آورده که

زیر عنوان تحلیل کلام/گفتمان انتقادی مشهور گشته است.» (دیرمقدم ۱۳۸۶: ۵۱) به عقیده گفتمان‌شناسان انتقادی، هر متن متشکل از دو لایه است: لایه زیرین و لایه زیرین و وظیفه زبان‌شناس کشف، تبیین و توجیه لایه زیرین متن است (داوری اردکانی و همکاران ۱۳۹۱: ۷۸) به عبارت دیگر، در رویکرد انتقادی، زبان‌شناس سعی دارد با به کارگیری ساز و کار مناسب بین پیام نهفته در متن و نحوه بیان، ارتباط برقرار نماید (یارمحمدی ۱۳۸۹: ۵۳) بنابراین، تحلیل گفتمان در پی کشف این مهم است که در یابد کارکردهای اجتماعی نهفته در لایه‌های زیرین گفتمان چگونه در لایه‌های زیرین آن، تصویرسازی یا بازنمایی می‌شوند (یارمحمدی ۱۳۸۹: ۵).

در تحلیل گفتمان انتقادی، از مؤلفه‌ها یا ساختارهای گفتمان‌مدار برای تحلیل متن استفاده می‌شود. به گفته یارمحمدی: «ساختارهایی گفتمان‌مدار هستند که به کارگیری یا عدم به کارگیری آنها و یا تغییر و تبدیل آنها به صورت دیگر در گفته و یا متن، باعث می‌شود که از گفته، برداشت‌های متفاوتی شود؛ مطلبی پوشیده و مبهم شود و یا صراحت بیشتری پیدا کند و یا بخشی از گفته را برجسته نماید و بخشی دیگر را در حاشیه قرار دهد» (یارمحمدی ۱۳۸۳: ۱).

۴. معرفی الگوی ون لیوون

در حوزه گفتمان‌شناسی انتقادی، برخی از پژوهشگران چون ون دایک (۱۹۹۶)، فرکلاف (۱۹۸۹)، هاج و کراس (۱۹۷۶) و ون لیوون (۱۹۹۶)، به منظور تعیین مؤلفه‌های گفتمان‌مدار و تحلیل متن، به تنظیم و پیشنهاد الگوهایی پرداخته‌اند. از آن میان، الگوی ون لیوون را می‌توان یکی از برجسته‌ترین الگوی مطرح در زمینه تحلیل گفتمان انتقادی به شمار آورد. «در این رویکرد تحلیل متون از سطح توصیفی به سطح تبیینی و توجیهی ارتقا می‌یابد و نیز رابطه میان زبان، جامعه، فرهنگ، قدرت، ایدئولوژی و... باز نمایانده می‌شود. این الگو با پرداختن به مؤلفه‌های جامعه‌شناختی - معنایی نهفته در دل مؤلفه‌های زبان‌شناختی، به معرفی و تصویرسازی فعالان اجتماعی می‌پردازد» (یارمحمدی ۱۳۸۵: ۶۲). «این الگوی بررسی گفتمان، هر متن یا گفته را تبلور دیدگاه‌های فکری - اجتماعی (ایدئولوژی) فرد یا طبقه‌ای خاص می‌داند که بازتاب مجموعه‌ای از عقاید، برداشت‌ها و ارزش‌های نظام‌مند جاری در یک جامعه یا بخشی از آن است. بدین ترتیب، همه اجزای صوتی، واژگانی و نحوی زبان خواه ناخواه با دیدگاه ویژه‌ای مرتبط هستند و در خدمت بیان منظور و نیت خاص مؤلف می‌باشند» (یارمحمدی ۱۳۸۵: ۶۴).

چنان که بر می آید تحلیل انتقادی گفتمان با بررسی ساختارهای زبانی و با بهره گیری از الگوها و روش های گوناگون که از سوی تحلیل گران و صاحب نظران این رشته بنیان گردیده است، بر آنست تا ایدئولوژی های نهفته در پس ساختارهای زبانی را شناسایی نماید. برای بازنمایی این ایدئولوژی ها، الگوهای متفاوتی توسط صاحب نظران این رشته ارائه شده است. الگوی جامعه شناختی^۵ معنایی ون لیوون یکی از این الگوهاست.

اکثر تحلیل گران گفتمان انتقادی، گفتمان را از بعد زبان شناختی مورد بررسی قرار می دهند، در حالی که ون لیوون در تحلیل خود از مؤلفه های جامعه شناختی - معنایی استفاده می کند. تنو ون لیوون از برجسته ترین پرچمداران این دیدگاه است. وی معتقد است که مقولات زبان شناختی در اکثر موارد با مقولات جامعه شناختی منطبق نیستند. او با بررسی متون گوناگون به شیوه ای نظام مند چگونگی بازتاب عوامل اجتماعی را در متن بررسی می کند و تأثیر و تأثر زبان و عوامل اجتماعی را در بازنمایی کنشگران در اثر نشان می دهد. به بیان دیگر، ون لیوون معتقد است که کارآیی مؤلفه های جامعه شناختی^۵ معنایی در بازنمایی و شناسایی لایه های زیرین گفتمان به مراتب بیشتر از کارآیی مؤلفه های زبان شناختی محض است. ون لیوون معتقد است که معنا و مفهوم از فرهنگ گویشوران نشأت می گیرد، نه از نشانه های زبانی محض. به عبارت دیگر، در الگوی جامعه شناختی - معنایی ون لیوون، شیوه های بازنمایی کنشگران اجتماعی با نشانه های زبانی و کلامی آن به هم پیوسته اند تا بازنمایی هر چه جامع تری از اثر مورد بررسی را ارائه نمایند.

این پژوهش با استناد به رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی و با توجه به الگوی ون لیوون (۲۰۰۸) تحلیل و بررسی می شود. الگوی ون لیوون مجموعه ای از مؤلفه های جامعه شناختی - معنایی است که در ادامه معرفی می گردد.

ج) تحلیل گفتمان عدالت اجتماعی امام خمینی بر اساس مؤلفه های جامعه - شناختی - معنایی ون لیوون (۲۰۰۸)

بازنمایی کنشگران اجتماعی در هر متن به گونه های مختلفی انجام می گیرد. منظور از کنشگران اجتماعی، مجموعه افرادی است که در یک رویداد، یک گفتمان یا یک کنش اجتماعی، حضور و مشارکت دارند (حیدرپور فرد ۱۳۹۳: ۴۴) اصولاً همه کنشگران اجتماعی به دلایل مختلف گفتمانی در متن ذکر نمی شوند. بلکه تنها، با توجه به هدف و نیت تولیدکنندگان گفتمان، کنشگران

اجتماعی می‌توانند در متن ذکر شوند و یا از آن متن حذف شوند. بر اساس الگوی ون لیون این بازنمایی کنشگران اجتماعی به دو صورت کلی حذف (طرد) و یا ذکر (اظهار) انجام می‌گیرد در واقع حذف یا ذکر کنشگران اجتماعی ارتباط نزدیکی با نیت تولیدکننده گفتمان دارد ذکر کنشگران اجتماعی در هر متن شامل سه بخش عمده: تعیین نقش، تعیین نوع اشاره و تعیین ماهیت است که در ادامه، بر اساس مباحث مذکور و به منظور انطباق دیدگاه امام در مورد عدالت بر اساس الگوی ون لیون به بررسی متون گفتارهای امام در چهارچوب نظریه مذکور پرداخته‌ایم لازم به یادآوری است که تمام نمونه‌های آورده شده با ذکر عنوان، مکان، زمان و جلد سخنرانی از مجموعه صحیفه امام است.

۱) حذف (طرد):

حذف، مؤلفه‌ای است که در مقابل ذکر یا اظهار می‌آید و از طریق آن کنشگر اجتماعی با نیت و هدف خاصی، که تولیدکننده گفتمان در نظر دارد، در گفتمان حذف می‌شود. در بعضی موارد حذف، هیچ اثری از خود در متن بر جای نمی‌گذارد، یعنی هم کنشگر و هم کنش او کاملاً حذف می‌شود (پنهان سازی). گاهی حذف از خود نشان به جا می‌گذارد به عبارت دیگر، کنش در متن بیان می‌شود، اما در برخی موارد بعضی یا تمام کنشگران حذف می‌شوند (کمرنگ سازی). مثلاً در این نمونه‌ها کنشگر که محمدرضا پهلوی است، حذف شده است: «او خبر نداشت از اینکه عدالت اسلامی چی هست» (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۱۱: ۲۶۳).

۲) ذکر (اظهار):

در الگوی جامعه‌شناختی - معنایی ون لیوون (۲۰۰۸)، کنشگران اجتماعی در بسیاری از موارد با اهداف خاصی به طور مستقیم و به صراحت در گفتمان اظهار یا ذکر می‌شوند. مثلاً امام در این مورد با ذکر نام محمد رضا شاه می‌گوید: «شما هم گوشتان پر شده است از این حرفهایی که محمد رضا می‌گفت که عدالت اجتماعی، عدالت اجتماعی» (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۱۱: ۲۴۷).

۲-۱) تعیین نقش:

تعیین نقش مؤلفه دیگر در تحلیل متن است که خود دو شیوه دارد:

فعال سازی

در این نوع تعیین نقش، کنشگران در متن مورد تحلیل به عنوان نیروهای فعال و پویا در یک کنش مشارکت دارند مثل این جملات امام: «خواست ملت مظلوم ایران تنها رفتن شاه و برچیده شدن بساط نظام سلطنتی نیست، بلکه مبارزه ملت ایران تا استقرار جمهوری اسلامی که متضمن آزادی ملت و استقلال کشور و تأمین عدالت اجتماعی باشد ادامه خواهد داشت» (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۵: ۴۲۷). (ملت ایران به عنوان کنشگر فعال در مبارزه و تأمین عدالت اجتماعی مشارکت دارند.) «تنها با استقرار حکومت عدل اسلامی... می توان خرابیهای عظیم فرهنگی و اقتصادی و کشاورزی را که رژیم فاسد شاه به وجود آورده است جبران نموده و نوسازی مملکت را به نفع طبقات زحمتکش و مستضعف آغاز نمود» (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۵: ۴۲۷) که در این جمله مردم به عنوان کنشگر فعال در جبران خرابی های فرهنگی، اقتصادی و کشاورزی و همین طور در نوسازی مملکت مشارکت دارند. «قوای انتظامی در خدمت مردم باشد، حکومت در خدمت مردم باشد و عدالت اجتماعی اسلامی تحقق پیدا بکند.»^۱ (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۷: ۵۲۹) (قوای انتظامی و حکومت به عنوان کنشگر فعال در تحقق عدالت اجتماعی اسلامی مشارکت دارند).

منفعل سازی

در این نوع تعیین نقش، کنشگران، پذیرنده یک کنش خاص و در حقیقت پذیرنده عمل هستند و به آن تن در می دهند که به دو نوع تقسیم می شود: موضوع سازی و ذی نفع سازی. در موضوع سازی کنشگران موضوع یا هدف عمل قرار می گیرند و در ذی نفع سازی کنشگران به صورت مثبت و منفی از یک کنش سود می برند. که این جمله امام مصداق «ذی نفع سازی» است که در آن شاه و حکومتش به عنوان کنشگران منفی، منفعلانه پذیرنده وارد شدن گندم، جو، پرتقال و... به مملکت است در حالی که سرمایه و ثروت سرزمین خود را نادیده می گیرد به این امر تن در می دهد و به آن افتخار هم می کند: «آن

۱. «من امیدوارم که از این به بعد همین طور باشد؛ قوای انتظامی در خدمت مردم باشد، حکومت در خدمت مردم باشد، و عدالت اجتماعی اسلامی تحقق پیدا بکند، و شما که از خارج آمدید در یک مملکتی باشید که رفاه باشد، در یک مملکتی که آزادی به معنای سالم باشد، در یک مملکتی که از خودتان باشد، و خودتان برای مملکت خودتان خدمت بکنید» (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۷: ۵۲۹).

وقت هم افتخار می‌کنند به اینکه ما آنیم که گندم از خارج آوردیم، جو از خارج آوردیم، پرتقال از خارج آوردیم، تخم مرغ از خارج آوردیم. گریه دارد این، و حیا در کار نیست. اصلاحاتشان هم یک اصلاحاتی است که همه آن مفسده است» (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۳: ۳۰۵).

۲-۲) تعیین نوع اشاره:

در متن ارائه شده از طرف تولیدکننده گفتمان، کنشگران اجتماعی را می‌توان براساس نوع بازنمایی آنها به مقوله‌های: انسان‌نمایی (تشخص‌بخشی) و غیرانسان‌نمایی (تشخص‌زدایی) تقسیم کرد. به این معنا که در برخی موارد، کنشگران به منظور اهداف خاص از سوی تولیدکننده گفتمان کنشگر به صورت «غیرانسان‌نمایی» مطرح می‌گردند. در مواردی نیز صورت انسان، یعنی شخص جاندار به خود می‌گیرد و بر اساس مشخصه‌های انسانی که به آنها داده شده، معرفی می‌شوند.

نوع اشاره به شکل انسان‌نمایی

انسان‌نمایی کنشگر نیز به دو دسته: ۱) مشخص‌سازی؛ ۲) نامشخص‌سازی طبقه‌بندی می‌شوند.

مشخص‌سازی:

مشخص‌سازی هنگامی رخ می‌دهد که هویت کنشگر و کنش‌پذیر روایت در ساخت، به نحوی روشن و شناخته شده است. در حقیقت مشخص‌سازی با به کار گرفتن مؤلفه‌ای غیر از نام عنصر روایت، به شناساندن عامل روایی می‌پردازد. مثل این جمله امام: «رژیم شاهنشاهی که بدترین حکومتها در عالم بوده است» (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۱۱: ۲۶۳). که در این جمله رژیم شاهنشاهی به جای دولت محمد رضا پهلوی آمده است یا در این جمله امام: «گفت ریشوهای کذا، از این حرفهای نامربوط» (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۴: ۴۲۳) که در این جمله امام خمینی، شاه (کنشگر) بازاری‌های متدین قم (کنش‌پذیر) را به ریشوهای کذا تشبیه کرده است.

یکی از شیوه‌های مشخص‌سازی که در آن کنشگران اجتماعی گروهی و پیوسته بازنمایی می‌شوند، پیونددهی است امام در یکی از مباحثی که به بحث عدالت اجتماعی می‌پردازد خطاب به شاه می‌گوید: «تو، تمام خیانتها را تو کردی؛ خواهرهایت هم دنبال تو هستند، آنها هم مثل تو» (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۴: ۴۶۳) «قرآن چه احترامی پیش شاه و دار و دسته شاه دارد؟» (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۳: ۴۰۵).

یکی دیگر از شیوه‌های مشخص‌سازی، تفکیک کردن است، یعنی بین فرد کنشگر یا گروهی از آنها با دیگر کنشگرهای مشابه، میان گروه خودی از غیرخودی یا ما از آنها تمایز قائل می‌شویم.

امام با اشاره به اینکه حکومت عدل در ذات اسلام است با اشاره به عده‌ای می‌گوید: «تمام حیثیت ملی، حیثیت انسانی، حیثیت اسلامی ما را اینها تباہ کردند» (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۸: ۲۴۵).

نامشخص‌سازی

نامشخص‌سازی به این معنا است که، زمانی کنشگران به عنوان افراد یا گروه‌های نامشخص و بی‌نشان بازنمایی شوند، مثل این جمله امام: «حالا هم یک دسته‌ای پیدا شده‌اند که اصل تمام احکام اسلام را می‌گویند برای این است که یک عدالت اجتماعی پیدا بشود؛ طبقات از بین برود» (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۳: ۲۲۲) که در این جمله یک دسته‌ای به عنوان افراد یا گروه‌های نامشخص و بی‌نشان بازنمایی می‌شود. گاه نامشخص‌سازی از عدالت شکل مکانی یا زمانی به خود می‌گیرد. مانند: «ماعدای اینجا یک زندگی ابدی هست» (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۳: ۲۲۸). (مکانی) «آن وقت، مساجد ما را بستند» (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۸: ۲۴۵) (زمانی).

نوع اشاره به شکل غیر انسان نمایی

حال چنانچه کنشگران به عنوان غیر انسان بازنمایی شوند، در مقوله غیرانسان‌نمایی یا تشخیص‌زدایی قرار می‌گیرد که به دو دسته: عینی‌سازی و ذهنی‌سازی طبقه‌بندی می‌شود.

عینی‌سازی: یعنی تصویرسازی کنشگران اجتماعی به کمک مکان یا شیئی که با آنها یا اعمالشان عجین شده، تداعی معانی دارند. انواع عینی‌سازی عبارتند از: مکان‌مداری، گفته‌مداری، ابزارمداری و اندام‌مداری. که مثال‌هایی از آن در گفتمان مرتبط با بحث عدالت اجتماعی امام خمینی به شرح زیر است:

مکان‌مداری:

- هر چند روز یک دفعه که می‌رفت منبر.
- وقتی قم آمد.
- از توی کوچه‌ای شروع کرد رفتن.
- ایستاد در بیرون صحن.
- بازاری‌های متدین قم.

گفته‌مداری:

- می‌گفت: عدالت اجتماعی را من می‌خواهم چی بکنم.
- هر وقت که صحبت می‌کند باز از آن حرفها می‌زند.

- گفتند که وقتی که وارد شد همچو دست و پایش را گم کرده بود که باید از این راه برود^۱ (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۴: ۴۲۳).
- از آقا تعریف بکنند و بگویند که ایشان عدالت اجتماعی دارد (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۴: ۴۶۳).

ابزار مداری:

- نگاه به عدالت مختلف می‌شود^۲ (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۶: ۵۳۵-۵۳۴).

اندام مداری:

- این پشت سر هم می‌بافت و حالا هم باز دست بر نداشته است.
- آنجا دست و پایش را گم کرده بود (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۴: ۴۲۳).
- همه منافع مملکت ما توی این حلقومها دارد فرو می‌رود (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۴: ۴۶۳).
- این خوراک حلقوم‌های گشاد منها بشود.

۱. «همچو خیال نکنید که یک، بله، خیلی مثلاً عدالت اجتماعی! هر چند روز یک‌دفعه که می‌رفت منبر، می‌رفت [می‌گفت]: [عدالت اجتماعی را من می‌خواهم چی بکنم! و فضای باز سیاسی و عدالت اجتماعی و انتخابات آزاد و تمدن بزرگ و دروازه تمدن بزرگ! و از این شعرهایی که صدتای آن یک‌گاز در بازار ایران دیگر ارزش ندارد، این پشت سر هم می‌بافت و حالا هم باز دست بر نداشته است. هر وقت که صحبت می‌کند باز از آن حرفها می‌زند! منتها صفحه‌ها مختلف می‌شود! گاهی وقتها با آن صورتهای درمی‌آید، و گاهی وقتها [برعکس] می‌شود. گاهی وقتها به بازاری‌ها [بد می‌گوید]، وقتی قم آمد، آنجا دست و پایش را هم گم کرده بود. آن دفعه که قم آمد، یک دفعه که در همان نزدیکی‌های ۱۵ خرداد، جلوی ۱۵ خرداد بود، این آمد قم. گفتند که وقتی که وارد شد همچو دست و پایش را گم کرده بود که باید از این راه برود، از توی یک کوجهای شروع کرد رفتن! بعد رفتند گفتند آقا راه این طرف است، بفرمایید! [خنده حضار] از این راه هدایتش کردند آمد. و وقتی که رفت ایستاد در بیرون صحن؛ ایستاد صحبت بکند. در حرکتش هم که می‌پرید بالا و می‌پرید پایین، باز مردم یک حرف‌هایی داشتند! و رفت ایستاد و بازاری‌های متدین قم را به حرفهای نامربوط بست؛ گفت ریشوهای کذا! از این حرفهای نامربوط» (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۴: ۴۲۳).

۲. «من از اینکه شما بنای بر این مطلب گذاشتید که متحول کنید صورت طاعتی را به صورت اسلامی و بانک اسلامی در سراسر کشور تأسیس کنید متشکرم؛ لکن منتظرم که بینم عمل چیست. آیا در عمل هم همین‌طور است؟ باز اموری که سابق انجام می‌گرفت انجام می‌گیرد یا خیر؟ تحول در محتوا هست؛ ما با اسم خیلی کار نداریم، با محتوا کار داریم. محتوا باید اسلامی بشود. شما دیدید که در این مدت در تبلیغات این بود که عدالت اجتماعی، اسلام، قرآن، این حرفها بود لکن محتوا نداشت، واقعیت نداشت» (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۶: ۵۳۵-۵۳۴).

- حلقومها گشاد است (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۴: ۴۶۳).

- ذهنی سازی (انتزاعی) - یعنی تصویرسازی کنشگران اجتماعی به کمک خصوصیتی که در ذهن تصویرساز به آنها نسبت داده می‌شوند. به عبارت دیگر، کنشگران به وسیله یک صفت یا ویژگی خود بازنمایی می‌شوند، یعنی صفت یا ویژگی کنشگر جایگزین او می‌شود، مانند این جملات: «و این دیکتاتورهایی که می‌بینید در آنجا هست، تقریباً در همه جا هست؛ و همین دیکتاتورهای باعث شد که ملت ما قیام کرد و رژیم را خواهان شد که در آن دیکتاتوری نباشد؛ در آن عدالت باشد» (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۹: ۷۰).^۱

نام‌دهی و طبقه‌بندی

نام‌دهی و طبقه (مقوله) بندی به منظور تعیین هویتی خاص برای کنشگر از سوی تولیدکننده گفتمان مطرح می‌شود. در این شیوه کنشگران اجتماعی می‌توانند از لحاظ هویت به دو صورت معرفی شوند:

- نام‌دهی بر اساس هویت رسمی

گاه کنشگران اجتماعی در گفتمان تولید شده با توجه به هویت منحصر بفردشان بازنمایی می‌شوند، که دارای سه نوع رسمی، نیمه رسمی، غیررسمی است، مثل این جملات امام:

- «ملاحظه کردید که محمدرضا ادعا می‌کرد که عدالت اجتماعی، عدالت اسلامی» (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۱۱: ۲۶۳) (نام‌دهی غیررسمی).

- «آقای شاه می‌فرمایند که تمام اموال مردم را ببرند بعد بگویند عدالت اجتماعی اسلام» (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۵: ۴۶۶) (نام‌دهی رسمی).

۱. «من متشکر از دولت شما و ملت شما. جواب این را هم به وسیله وزارت خارجه ان‌شاءالله می‌دهم. و این دیکتاتورهایی که می‌بینید در آنجا هست، تقریباً در همه جا هست؛ و همین دیکتاتورهای باعث شد که ملت ما قیام کرد و رژیم را خواهان شد که در آن دیکتاتوری نباشد؛ در آن عدالت باشد، با همه ظلمها مخالف باشد، و آن رژیم جمهوری اسلامی است - که برنامه اسلام در این است که دیکتاتورهای به کلی در دنیا نابود بشوند، و عدالت اجتماعی جاری بشود. و من امیدوارم که خداوند، آنطور که ما می‌خواستیم، برای عدالت اجتماعی در تمام بشر ما را موفق کند، و شما را موفق کند» (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۹: ۷۰)

- نام‌دهی بر اساس هویت جمعی

گاه کنشگران اجتماعی در گفتمان تولید شده با توجه به هویت جمعی بازنمایی می‌شوند بر اساس هویت جمعی شخص بر اساس نقش‌هایی که در آن با دیگر کارگزاران سهیم و شریک است معین می‌شود که به آن طبقه‌بندی نقش می‌گویند (رزمجو ۱۳۸۴: ۲۰). طبقه‌بندی سه مقوله دارد: نقش‌دهی؛ هویت بخشی و ارزش‌دهی.

- نقش‌دهی: کنشگران بر اساس نقشی که دارند و با فعالیتی که انجام می‌دهند، بازنمایی می‌شوند، مانند «گاهی وقتها به بازارها اید می‌گوید» (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۴: ۴۲۳) (طبقه‌بندی).

- هویت بخشی: زمانی روی می‌دهد که کنشگران نه بر اساس آنچه انجام می‌دهند بلکه بر اساس آنچه درحقیقت هستند، بازنمایی می‌شوند. هویت بخشی نیز سه نوع است: ۱. هویت بخشی مقوله‌ای؛ ۲. هویت بخشی نسبتی و ۳. هویت بخشی ظاهری.

۱. هویت بخشی مقوله‌ای: با توجه به آن ویژگی‌های کلانی که جامعه کنشگران را بر اساس آن دسته‌بندی می‌کنند می‌توان کنشگران را بازنمایی کرد. مانند «روحانیت باید از سیاست جدا باشد» (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۱۱: ۲۶۳). (هویت بخشی مقوله‌ای) - «مسجد مال روحانیون...» (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۱۱: ۲۶۳) (هویت بخشی مقوله‌ای).

۲. هویت بخشی نسبتی: کنشگران را بر اساس روابط شخصی، خویشاوندی و یا کاری به هم نسبت می‌دهد؛ مانند «بازاریهای متدین قم» (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۴: ۴۲۳). (هویت بخشی نسبتی) «تو، تمام خیانتها را تو کردی؛ خواهرهایت هم دنبال تو هستند، آنها هم مثل تو». (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۴: ۴۶۳) (هویت بخشی نسبتی).

۳. هویت بخشی ظاهری: کنشگران را بر اساس ویژگی ظاهری آنها بازنمایی می‌کنند مانند «گفت ریشوهای کذا» (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۴: ۴۲۳) (هویت بخشی ظاهری).

- ارزش‌دهی: در این دسته بندی، کنشگران با استفاده از اصطلاحات ارزشی و تقابلی بازنمایی می‌شوند که شامل ارزش‌دهی مثبت و ارزش‌دهی منفی است. که نمونه این جملات در کلام امام در بحث از عدالت اجتماعی به شرح زیر دیده می‌شود:

- «نوسازی مملکت را به نفع طبقات زحمتکش و مستضعف آغاز نمود»^۱ (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۵: ۴۲۷) (ارزش‌دهی مثبت).
- «کارترها نرسیدند به آنجا که فکر آدمی بکنند، انسان باشند» (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۴: ۴۶۴) (ارزش‌دهی منفی).

۲-۳) تعیین ماهیت:

تعیین ماهیت کنشگران اجتماعی از لحاظ الف) جنس ارجاعی (عام‌نگری) و ب) نوع ارجاعی (خاص‌نگری) از جمله عوامل مهم در بازنمایی کنشگران اجتماعی است. به عبارت دیگر، کنشگران می‌توانند به صورت گروهی و عام یا به صورت انفرادی و خاص‌نگری بازنمایی شوند. نوع ارجاعی نیز خود به دو دسته (۱) فرد ارجاعی و (۲) گروه ارجاعی تقسیم می‌شود. در فرد ارجاعی کنشگران به عنوان فردهای مستقل و به صورت ویژه و خاص و در گروه ارجاعی، کنشگران به صورت عام و گروه‌بندی افراد مستقل بر اساس خصوصیات مشابه بازنمایی می‌شوند. در گروه ارجاعی نیز دو زیر مقوله وجود دارد: مجموعه ارجاعی و کلی ارجاعی. در مجموعه ارجاعی با گروه‌های شرکت‌کنندگان همچون آمار و اعداد و ارقام برخورد می‌شود. به عبارت دیگر، کنش توسط آمار و ارقام بازنمایی می‌شوند. اگر کنشگران در مجموعه ارجاعی قرار نگیرند، به دسته کلی ارجاعی تعلق دارند. در کلی ارجاعی عدد و رقم نشانگر کنشگران نیست. مانند موارد زیر:

- «تنها با رفتن شاه و انتقال قدرت به ملت است که آرامش به کشور عزیزمان بازگشت» (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۵: ۴۲۷) (نوع: فرد/نوع: گروه /نوع: گروه: کلی).
- «به مطبوعات خارجی سالی - نمی‌دانم - صد میلیون دلار بدهند که از آقا تعریف بکنند و...» (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۴: ۴۶۳) (نوع: گروه: مجموعه / جنس ارجاعی).

۱. «تنها با استقرار حکومت عدل اسلامی مورد تأیید و پشتیبانی مردم و با شرکت فعالانه همه ملت است که می‌توان خرابیهای عظیم فرهنگی و اقتصادی و کشاورزی را که رژیم فاسد شاه به وجود آورده است جبران نموده و نوسازی مملکت را به نفع طبقات زحمتکش و مستضعف آغاز نمود» (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۵: ۴۲۷).

باهم آبی واژه‌ها با عدالت اجتماعی

در رابطه با باهم آبی واژه‌ها با عدالت اجتماعی در کلام امام واژه عدالت اجتماعی از یکسو با کلماتی ناهمگون با آن، مانند دیکتاتوری، ظلم و تعدی، و از سوی دیگر با کلماتی همگون همچون احترام متقابل، زندگی به طور مساوی، مبارزه با تعدی، استقلال کشور، آزادی ملت، حکومت مورد تأیید و پشتیبانی مردم، آمده است. به عنوان مثال، یکی از مهم‌ترین و شاید ویژگی اصلی حکومت جمهوری اسلامی را تحقق عدالت می‌داند. «در جمهوری اسلامی زورگویی نیست، در جمهوری اسلامی ستم نیست... در جمهوری اسلامی برای فقرا فکر رفاه خواهد شد؛ مستمندان به حقوق خودشان می‌رسند. .. عدالت الهی بر تمام ملت سایه می‌افکند» (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۶: ۵۲۵) امام بی‌عدالتی را که موجب ظلم بر طبقات و اقشار محروم جامعه می‌شود، رد می‌کند، نگرش برابر گرایانه مطلق سوسیالیستی را نیز نمی‌پذیرد؛ لذا از دید او باید به سویی حرکت کرد تا «همه افراد این ملت یک زندگی متوسطی که باید داشته باشند، داشته باشند» (امام خمینی ۱۳۸۵ ج ۱۷: ۴۲۷). که مجموعه این مباحث و میزان فراوانی مؤلفه‌های معنایی گفتمان مدار بر اساس الگوی ون لیوون در جدول زیر درج شده است:

جدول ۱: فراوانی مؤلفه‌های معنایی گفتمان مدار بر اساس الگوی ون لیوون (۲۰۰۸)

میزان نهایی	ذکر						حذف	تعداد سخنرانی ۱۵	
	تعیین ماهیت		تعیین نوع اشاره			تعیین نقش			
	نوع ارجاعی (فرد و گروه)	جنس ارجاعی	غیرانسان نمایی	انسان نمایی	منفعل سازی	فعال سازی			
۲۲۷	۵۵		انتزاعی سازی	عینسی سازی	نامشخص سازی	مشخص سازی	۴	۱۸	
			۶	۶۰	۲۷	۵۵	۲۲	۲۱	
			۶۶		۸۲				
	۲۴/۲۲		۲۹/۰۷		۳۶/۱۲	۹/۶	۹/۲	درصد	
%۱۰۰			۶۵/۱۹						

د) نتیجه گیری

آنچه در این مقاله بررسی شد ابتدا پاسخ به پرسش اصلی این تحقیق است که از کدام راهکارهای زبان‌شناختی در سخنان امام خمینی برای تقویت گفتمان عدالت‌محور استفاده شده است. در این ارتباط پانزده سخنرانی از *صحیفه امام* با موضوع عدالت اجتماعی به عنوان داده‌های تحقیق انتخاب و بررسی شده‌اند که به طور کلی، مؤلفه‌های جامعه‌شناختی معنایی مانند طرد و جذب به ترتیب فراوانی، عبارتند از: تعیین نوع اشاره (۶۵/۱۹)، تعیین ماهیت (۲۴/۲۲)، تعیین نقش (۹/۶). همچنین از میان زیرمؤلفه‌های الگوی مورد بررسی، تمامی زیرمؤلفه‌ها به استثنای زیرمؤلفه مشخص‌نمایی تک‌موردی و چندموردی و در انواع طبقه‌بندی، ارزش‌دهی و در انواع نقش‌دهی: نقش‌دهی منفی، مثبت و خنثی همین‌طور در مجموعه ارجاعی: جنس ارجاعی و کلی ارجاعی در متون مورد نظر مشاهده می‌شود. در نتیجه می‌توان گفت تمام مؤلفه‌های گفتمان‌مدار موجود در این الگوی تحلیلی به استثنای تعداد اندکی زیرمؤلفه در پیکره زبانی مورد بررسی به کار رفته‌اند. یافته‌های پژوهش را می‌توان در قالب موارد زیر خلاصه وار ارائه کرد:

۱. با بهره‌گیری از رویکرد جامعه‌شناختی - معنایی ون لیوون و با استفاده از مؤلفه‌های الگوی وی و با توجه به جدول فراوانی مؤلفه‌ها می‌توان نتیجه گرفت که امام خمینی با استفاده از مؤلفه حذف که ۹/۲ درصد از واژگان ایشان را در بحث عدالت اجتماعی تشکیل می‌دهد، تلاش می‌کند تا به صورت ضمنی و تلویحی نقض عدالت و بی‌اعتنایی به عدالت اجتماعی را در جامعه یادآوری کند و ذهن افراد جامعه را متوجه این بی‌عدالتی سازد و با حذف نام و عنوان کنشگران بی‌عدالتی در جامعه، افراد مخاطب را کنجکاو سازد که این کنشگران را که موجب بی‌عدالتی شده‌اند، خود پیدا کنند و به این وسیله ذهنیت آنان را برای جستجوی عاملان بی‌عدالتی که همان رژیم شاه است، آماده سازد.

۲. با بهره‌گیری از رویکرد مذکور همچنین می‌توان نتیجه گرفت که مؤلفه ذکر یا اظهار در مقایسه با مؤلفه حذف از فراوانی قابل ملاحظه‌ای برخوردار است. از آنجا که تحلیل گفتمان انتقادی متن، گفته را تبلور دیدگاه‌های فکری^۵ اجتماعی نویسنده می‌دانند و زبان را به عنوان وسیله‌ای برای بازتولید و تفسیر مجموعه عقاید و نظام‌های ارزشی نهفته در متن یا گفته در نظر می‌گیرند، لذا باید بسامد بالای مؤلفه ذکر در ساختار متون سخنرانی امام به مثابه گرایش ایشان به صراحت لهجه و استفاده از لحن روشن و بی‌پروا در بیان حقایق، تلقی کرد.

در پاسخ به این سؤال که کدام ویژگی زبان‌شناختی سخن امام موجب فهم آن از سوی مخاطبین می‌شود، باید گفت که ویژگی ذکر یا اظهار موجب آن شده است که کلام امام در مورد عدالت اجتماعی به‌خوبی به وسیله مخاطبان فهم شود و ایشان بتواند مردم را دربارهٔ اینکه رژیم شاه رژیمی ضد عدالت است، قانع کرده و خود را مدافع عدالت اجتماعی مطرح سازد.

۳. امام خمینی در مؤلفه ذکر، بیشترین مورد را به تعیین نوع اشاره اختصاص داده است که در این میان نوع اشاره براساس انسان‌نمایی ۳۶/۱۲ درصد را شامل می‌شود. انسان‌نمایی به این معناست که کنشگران بر اساس مشخصه‌های انسانی که به آنها داده می‌شود، معرفی می‌شوند که نشان می‌دهد امام در گفتار خود کنشگران ضد عدالت اجتماعی را در قالب مشخصه‌های انسانی تصور می‌کند اما انسان‌هایی که از حق دور شده و وابسته به بیگانه و مستبد هستند.

این نوع بیان در عین اینکه به دلیل عدم توهین و بیان موقعیت انسانی کنشگران می‌تواند گوینده را به عنوان شخصی با انصاف مطرح سازد این امر را بیان می‌کند که عاملان ضد عدالت را باید در همین انسان‌های معمولی، اما حاکم جستجو کرد. این امر با توجه به اینکه امام در بحث انسان‌نمایی بیشترین بیان را در مؤلفه مشخص‌سازی دارد، مورد تأیید قرار می‌گیرد. در واقع امام با اشاره مشخص به عناصر رژیم شاه به عنوان انسان‌هایی منحرف علاوه بر اینکه به شکلی منصفانه، کلامی فارغ از هرگونه توهین مطرح می‌سازد با مشخص‌سازی و ذکر افرادی همچون شاه، دربار و.... تلاش می‌کند صراحتاً عناصر ضد عدالت را در جامعه معرفی کند.

۴. امام خمینی در برخی موارد در نوع اشاره به کنشگران به میزان ۲۹/۷ درصد از اشاره غیرانسان‌نمایی در خصوص عوامل ضد عدالت، استفاده کرده است. در مقوله غیرانسان‌نمایی یا تشخیص‌زدایی، تصویرسازی کنشگران اجتماعی گاهی به کمک مکان یا شیئی که با آنها یا اعمالشان عجین شده، اشاره می‌کند. با توجه به اینکه آن مکان یا آن شیء برای مخاطب روشن است بیان آن می‌تواند معنای مورد نظر را تداعی کند، مثلاً وقتی امام می‌گوید: «او به قم آمد» مخاطب به‌خوبی متوجه می‌شود که منظور شاه است که در سفری به قم با سخنرانی علیه روحانیت اقدام کرد و همین شخص اکنون منادی عدالت اجتماعی است و به این وسیله ضمن اینکه فهم مخاطب را در جهت شناسایی کنشگر مورد نظر تحریک می‌کند، در عین حال معنای مورد نظر خود را نیز به مخاطب انتقال می‌دهد.

۵. گاهی نیز امام خمینی با استفاده از انتزاعی سازی تلاش می کند تصویری از کنشگر ضد عدالت را به کمک خصوصیتی که در ذهن تصویر ساز به آن نسبت داده می شود، منتقل کند و کنشگر را با یک صفت یا ویژگی بازنمایی کند. این نوع گفتار می تواند ذهن مخاطب را متوجه دلایل اینکه چرا کنشگر، عدالت اجتماعی را رعایت نمی کند، نماید؛ مثلاً وقتی واژه دیکتاتور را به جای شاه به کار می گیرد در واقع می خواهد این واقعیت را القا کند که دیکتاتوری عامل مهمی در عدالت ستیزی شاه است.

۶. یکی دیگر از مؤلفه های گفتمانی امام خمینی در مواجهه با عدالت ستیزی رژیم پهلوی، تأکید بر تعیین ماهیت است. به این معنا که امام تلاش می کند با قرار دادن فرد در یک گروه بزرگ تر، کنشگر را در جبهه خاصی معرفی نماید و از طریق جنس ارجاعی عام نگر یا خاص نگر به بازنمایی کنشگران ضد عدالت پردازد. مثلاً ایشان شاه را جزئی از جبهه استکبار یا امپریالیسم می داند و بدین سبب معتقد است همان طور که مستکبران عدالت را پایمال می کنند شاه و عمال آنها نیز چنین اقدامی را انجام می دهند.

۷. در رابطه با باهم آبی واژه ها با عدالت اجتماعی در کلام امام واژه عدالت اجتماعی با کلماتی ناهمگون با آن مانند دیکتاتوری، ظلم و تعدی و همچنین کلماتی همگون همچون احترام متقابل، زندگی به طور مساوی، مبارزه با تعدی، استقلال کشور، آزادی ملت، حکومت مورد تأیید و پشتیبانی مردم، آمده است که به معنای آن است که در ساختار زیرین سخنان امام، عدالت پایه و اساس هر نوع پیشرفت سیاسی، اقتصادی و فرهنگی است و هر نوع حاکمیت ناصالح، دشمن عدالت و مانع تحقق آن محسوب می شود و لذا عدالت بنیاد ساختار کلامی امام در دفاع از حکومت اسلامی است و تلاش می کند این معنا را به مخاطب منتقل کند و او را به این واقعیت در ابعاد مختلف متوجه سازد.

منابع

- آقاگل‌زاده، فردوس. (بهار ۱۳۸۶) «تحلیل گفتمان انتقادی و ادبیات»، *ادب پژوهی*، شماره اول.
- _____ (۱۳۸۵) *تحلیل گفتمان انتقادی*، تهران: انتشارات علمی - فرهنگی.
- امام خمینی، سید روح‌الله. (۱۳۸۵) *صحیفه امام*، تهران: مؤسسه تنظیم نشر آثار امام خمینی، چاپ چهارم.
- حیدرپورفرد، فاطمه. (دی ماه ۱۳۹۳) «بازنمایی شخصیت‌های زنان به عنوان کنشگران اجتماعی در رمان‌های سیمین دانشور بر اساس رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی»، *پایان نامه رشته زبان‌شناسی دانشگاه شیراز*.
- داوری اردکانی، رضا، رضا نیلی پور، علیرضا قائمی نیا و لطف‌الله یارمحمدی. (۱۳۹۱) *زبان استعاره‌ها و استعاره‌های مفهومی*، تهران: هرمس.
- دبیرمقدم، محمد. (۱۳۸۶) *زبان‌شناسی نظری: بیدایش و تکوین دستور زایشی*، تهران: سمت، چاپ دوم.
- رزمجو، سید آیت‌الله. (۱۳۸۴) «شیوه‌های تصویرسازی کارگزاران اجتماعی در گفتمان فارسی: تحلیل توجیهی گفتمان با عنایت به مؤلفه‌های جامعه‌شناختی معنایی، تشریح دانشکده ادبیات و علوم انسانی تبریز، شماره ۱۹۵.
- شعیری، حمیدرضا. (۱۳۸۵) *تجزیه و تحلیل نشانه - معناشناختی گفتمان*، تهران: سمت.
- عضدانلو، حمید. (۱۳۸۰) *گفتمان و جامعه*، تهران: نشر نی.
- فوزی، یحیی. (پاییز ۱۳۸۸) *اندیشه سیاسی امام خمینی*، قم: مجموعه انقلاب اسلامی.
- یارمحمدی، لطف‌الله. (۱۳۸۹) *از شیراز تا کشمیر: مجموعه مقالات در آموزش زبان*، شیراز: فانوس اندیشه.
- _____ (۱۳۸۳) *گفتمان‌شناسی رایج و انتقادی*، تهران: هرمس.
- _____ (۱۳۸۵) *ارتباطات از منظر گفتمان‌شناسی انتقادی*، تهران: هرمس.
- یحیایی ایله‌ای، احمد. (اردیبهشت و خرداد ۱۳۹۰) «تحلیل گفتمان چیست؟»، *تحقیقات روابط عمومی*، سال دهم، شماره ۶۰، صص ۶۴-۵۸.
- Schiffrin, D. (1994) *Approaches to Discourse*, Oxford and Cambridge: Blackwell.
- Stubbs.M. (1983) *Discourse Analysis*, Chicago: University of Chicago Press.
- Tanen,D.(1989) *Talking Voices: Repetition, Dialog and Imaginary in Conversational Discourse*, Cambridge: Cambridge University Press.
- Van Dijk ,T.A. (1985) *Introduetion: discourse as a new crossdiscipline*, In T.A.V. (Ed.),*Handbook of Discourse Analysis*, vol.1:Disciplines of Discourse ,NewYork: Academic Press.

- Van leeuwen ,T.A. (1996) *The Representation of Social Actors* ,In *Caldas Coulthard*, C.R., & Coulthard, M. (ed.),*Texts and Practice: Reading in CDA*,London:Routhledge.
- Van Leeuwen, T. A. (2008) *Discourse and Practice, New Tools For Gritical Discourse Analysis*, New York: Oxford University pres.

